



شهر بانو

شهر بانو

۲۳ شنبه  
۱۷ خرداد ۱۴۰۰  
۲۶ شوال ۱۴۴۲ شماره ۳۴۰۲

(۲)



تکنم جاوید

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

(فروغ)

## تقویت خود «من» به دست تیغ جراحی!؟

چرا زنان زیادی در روزهای کرونایی به جراحی زیبایی تن دادند

باشد، آن را به جان می‌خریم. اما اگر دقت کنید، خواهید دید آدم‌های بسیاری به‌ویژه خانم‌های بیشتری در روزهایی که تنها خودشان قادر به دیدن چهره کامل خود بودند، به جراحی زیبایی تن دادند. این یعنی «من خودم را این شکلی که هستم دوست ندارم». یعنی تحقیرهای بیرونی، سرزنش‌ها، ناتوانی‌های شغلی و مالی، بی‌عدالتی در محیط زندگی، کمبود تحصیلات، ناباروری و خیلی مشکلات دیگر آن قدر «خود» من را ضعیف و کوچک کرده است که حالا دیگر مطمئن هستم ریشه همه مشکلات به من برمی‌گردد. اگر توان تغییر در وضعیت بیرونی زندگی‌ام را ندارم، شاید با تغییر ظاهری، برخی مشکلات بسامان شود. یکی از دلایلی که زنان بسیاری پس از طلاق دست به انجام عمل‌های زیبایی می‌زنند همین است. آن‌ها پس از جدایی احساس بی‌کفایتی و حقارت خواهند کرد. با وجود آرامش ظاهری، عزت نفسشان به شدت آسیب دیده است و برای جبران بخشی از وجود خود، به ظاهرشان دست می‌برند.

تنهایی دوران کرونا هم برای خیلی‌ها رنج‌آور است زیرا آن‌ها را با کمبودهای درونی، احساس کمبودها و غم‌هایشان تنها می‌گذارد. در چنین شرایطی، آدم‌ها به سراغ کارهایی می‌روند که آنان را خوشحال و لحظه‌ای از کمبودها رها کند و وسوسه تبلیغات بیرونی برای جذاب‌شدن، ایجاد تنوع در زندگی دل‌مرده و کسل‌کننده یا دیده شدن از سوی دیگران، تن دادن به عمل زیبایی را توجیه می‌کند. اکنون، شاید بهتر باشد بدانید اگر چنین حال و روزی دارید، پیش از تصمیم برای جراحی یا پایان همه‌گیری کرونا، باید برای درمان روان خود حساس‌تر باشید.

تنها خواهرش را ۶ ماه است از ترس کرونا ندیده. مهمانی و رستوران هم تعطیل است. بیش از یک سال است به دلیل همه‌گیری کرونا و تعطیلی موقت محل کارش، هیچ‌کس به آن خانه نرفته است اما خبر جدید صدای اعتراض دوست و آشنا را درآورد. او که رفت‌وآمد عادی را ممنوع کرده بود چه‌طور از مطب پزشک سردرآورد؟ چه‌طور بینی‌اش را عمل کرد؟ در این اوضاع زندگی با ماسک، چرا لب‌هایش را تزریق کرده؟ و هزاران چرای دیگر. دفاع‌چندانی برابر این پرسش‌ها ندارد جز اینکه مطب‌ها خلوت‌اند و برای طی کردن دوران نقاهت در خانه این روزها بهترین فرصت است. بسیاری از زنان و حتی مردان جوان و میان‌سال دیگر هم که پولی داشتند و همیشه از ظاهر خود ناراضی بودند، در این ایام خطر بیمار شدن را به جان خریدند و از جراحی زیبایی نگذشتند. شاید خود شما هم از این دست باشید و خودتان را این‌گونه راضی کرده باشید که «من همیشه دنبال این جراحی بوده‌ام».

این رفتارها اکنون باید نگاه ما را درباره هدف از جراحی‌های زیبایی یا بهتر بگوییم دست‌کاری در چهره و عضوی از بدنمان به سوی دیگری تغییر داده باشند. انجام عمل‌های جراحی زیبایی ریز و درشت در همه دنیا در ایام کرونا اتفاق افتاد. یعنی آدم‌های زیادی درگیری ذهنی دارند.

پیش از این نارضایتی از چهره یا اندام را به کمبود اعتمادبه‌نفس یا نحوه رفتار و گفتار اطرافیان نسبت می‌دادیم که شاید از کودکی آزارمان داده بود و حالا که روشی برای درمان مشکل پیدا شده است، برای رفع آن، هرقدر هم هزینه بردار یا خطر مرگ و میر پیش رویمان

(آفاق)

حمیده وحیدی  
روزنامه‌نگار



## مسافری شدم که بی‌خبر هر جایی می‌رویم

آتش‌سوزی در پالایشگاه تهران، چسبیدن فلزات به بدن افراد، حذف بخشی از مسکن‌های نامزدهای شورای شهر در فضای مجازی، برگزاری نشست‌های انتخاباتی، رد و تأیید صلاحیت‌ها و تابستان داغ ایران، تیر خبرهایی است که در هفته گذشته و در جامعه ایرانی، دست‌به‌دست شده‌اند. از طرفی، بالا و پایین کردن حاشیه جنجالی خواهر پانته‌آ بهرام در برنامه «هم‌رفیق»، مشکل روحی برادر بابک خرم‌دین و واکنش‌های فلان هنرپیشه، رفع توقیف فلان سریال خانگی و... همگی چیزهایی است که با فشردن یک دکمه می‌توان سراغش رفت و دوباره‌اش خواند و نظر داد. اگر حوصله یا وقتش را داشته باشید، می‌توانید در ۲۴ ساعت یکی از همین گزینه‌ها را انتخاب و دنبال کنید و به دلتان وعده دهید در واپسین نفس‌های کرونا قبل از واکنش‌های جمعی، نه‌تنها در محیط خانه، بلکه هر مکانی مانند مطب پزشک، سوپرمارکت، مترو و خیابان اطلاعات جدیدی به زندگی‌تان بیفزایید.

یک بار یکی از قدیمی‌های مشهد در صنعت هواپیمایی، از همان‌هایی که خیلی‌ها دلشان غنج می‌رود چند ساعتی کنارش بنشینند و یک دور توی فلکه آب همراهی‌اش کنند، در یک مصاحبه گفته بود: حدود ۷۰ سال پیش اگر کسی با هواپیما سفر می‌کرد، نامش فردای آن روز در روزنامه خراسان نوشته می‌شد. حالا کافی است این خبر را بگذاریم کنار مریخ‌نوردی که این روزها پیوسته برایمان تصاویری را از فضا مخابره می‌کند.

همین حالا که مطلب بالا را خواندید، یک دور فشرده‌ای از خبرهای هفته دوم خردادماه توی ذهنتان مرور شد. به گذشته رفتید و برگشتید. نمی‌دانم پای سیستم محل کارتان نشسته‌اید و از سایت شهرآرانیوز ما را دنبال می‌کنید یا روزنامه در دستانتان است و زیر خنکای کولر خانه‌تان (البته اگر برق قطع نشده باشد) دقایقی مطالعه آزاد دارید، اما کمی با خودتان فکر کنید احساسات دربار زندگی چیست؟ فکر نمی‌کنید روزها به سرعت می‌گذرند و ساعت‌ها پشت سر هم می‌دوند؟ آیا ثبات زندگی را درک می‌کنید یا پیوسته به این می‌اندیشید که در سفر هستید؟ سفری در مکان‌های متنوع و زمان‌های مختلف. شما در حال حرکتید. هر وقت دلتان بخواهد و در هر جایی می‌توانید با لمس یک دکمه، به آسانی، کنار دست یک آدم بنشینید، با او وارد زندگی‌اش شوید اشک بریزید، بخندید، برای تولدش شمع روشن کنید. می‌توانید به ۵۰ سال آینده بروید و پیش‌بینی‌ها در مورد هوش مصنوعی را ببینید و در یک مراسم فانتزی خدمتکارانی را که کارهایتان را انجام می‌دهند تماشا کنید.

اکنون به نظرتان این حجم از سفرهای لحظه‌ای و روزانه را باید از ویژگی‌های زندگی امروز پنداشت و آن را به به عنوان تغییر در قرن ۲۱ ضروری خواند یا از اسارت رسانه‌هایی که زندگی ما را قبضه کرده‌اند رها شد؟

به گفته جامعه‌شناسان، مهم‌ترین ویژگی سفر، گریز از زندگی روزمره است، فرار از عقلانیت حاکم بر شهر که قاعده تداوم حیات در آن است. حالا به این فکر کنید روزانه چه تعداد سفر درون‌شهری یا خارج‌شهری دارید، چند عکس را لایک می‌کنید و اجازه می‌دهید دیگران همراهی‌تان کنند، چه تعداد صفحه را دنبال می‌کنید که بدون پشتوانه علمی و تخصصی و صرف سرگرمی پایه‌گذاری شده‌اند، چه افرادی و با چه نیتی ذهن شما را نسبت به چیزهایی که چه‌بسا باور هم ندارید سامان دهی می‌کنند، و پشت پرده سیاست هر رسانه چیست؟

اکنون یک سؤال که اگر دوست داشتید، پاسخش را با ما هم در میان بگذارید: فکر می‌کنید چرا پاتوق‌های گفت‌وگو برای برش مشکلات و جذب راهکارها در شهرها معنای حقیقی ندارند؟ آیا همان اندازه که غرق سفرهای لحظه‌ای هستیم به مطالبات عمیق هم فکر کرده‌ایم؟ آیا به‌واقع با شرایط فعلی بدون ایجاد زیرساخت‌های صحیح در زندگی فردی و اجتماعی جامعه سالمی را تحویل نسل آینده خواهیم داد؟ ما را در این بحث به صورت هفتگی همراهی کنید. همیشه هستیم در شهربانو، تحریریه شهرآرا.